ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
سه‌شنبه • ۹ بهمن ۱۳۹۷
۲۲ جمادی الاول ۱۴۴۰ • ۲۹ ژانویه ۲۰۱۹
شماره ۲۰۰۲۵
۱۲۴۸

# زندگی سلام

مقایسه جالب وضعیت مدارس و دانش آموزان قدیم و جدید به بهانه ممنوعیت توزیع پیک نوروزی

# اونا دانش آموز بودن یا اینا؟!

پرونده

«خبر خوش برای دانش آموزان شاخ اینستاگرام این که امسال هم پیک نوروزی ندارین!»، «امسال هم پیک نوروزی رو ممنوع کردن تا یک وقت دانش آموزهای دهه نودی ناراحت نشن!»، «یکی بره دانش آموزهای دهه نودی رو ماساژ بده که تو تعطیلات عید، خسته نشن» و.... این ها گوشه ای از شوخی های منتشر شده در شبکه های اجتماعی به بهانه ممنوع شدن توزیع پیک نوروزی برای تعطیلات نوروز امسال است. به تازگی معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با بیان این که چاپ هر گونه پیک عید و اجبار خانواده ها و کودکان در این زمینه ممنوع است، تاکید کرد: «امسال هم در ایام تعطیلات عید نوروز به هیچ وجه پیک نوروزی و درس نامه عید و موارد مشابه آن را نخواهیم داشت. از مدت ها قبل این موضوع را به اطلاع استان ها نیز رسانده ایم و چاپ هر گونه پیک و اجبار خانواده ها و کودکان در این زمینه ممنوع است.» به همین بهانه و در ادامه مطلب، مقایسه ای داریم جالب و جذاب درباره تفاوت های وضعیت مدارس و دانش آموزان در دهه های ۶۰ و ۷۰ و ۹۰. مقایسه ای که خواندنش به همه دانش آموزان جدید و قدیم توصیه می شود.

تصویرساز: سعید مرادی

## از پیک نوروزی تا حظ کامل از تعطیلات!

هنوز هم روزهای رعب انگیز عید نوروز را به خاطر دارم، تمام آن ۱۳ روزی که چند ماه به انتظارش نشسته بودیم اما به سرعت برق و باد تمام می شدند و در نهایت یک پیک نوروزی ۳۲ صفحه ای برایمان می ماند و یک عالم تکلیف انجام نشده و فردایی که مدرسه باز می شد. من البته همیشه روز بعد از تعطیلات با یک پیک سفید و پاک راهی مدرسه می شدم، همیشه هم معلم عزیزم متوجه می شد و تنبیه‌ام می کرد. اما حالا چی؟ جدای از ۱۳ روز عید، بچه ها به هر بهانه ای تعطیل می شوند، تازه پیک نوروزی و دادن تکلیف برای تعطیلات هم ممنوع شده است و بچه ها حسابی حظ کامل را می برند.

## از بازی های فیزیکی تا دنبال سکو برای نشستن!

ما گرچه در خیلی موارد نسبت به بچه های نسل حاضر طفلکی بودیم اما مدرسه برای مان فرصت بازی و شیطنت هم بود. زنگ تفریح اگر ناظم مان مدام داد و فریاد نمی کرد و مرتب توی سوتش فوت نمی کرد، اسب وار دور تا دور حیاط می دویدیم و عربده می کشیدیم و توی همان ۱۰ دقیقه همه عقده ها و انرژی های سرکوب شده مان را تخلیه می کردیم. از آن جایی که توپ و بقیه وسایل ورزشی هم مختص زنگ ورزش بود و استفاده کردن از شان در زمان های دیگر محکومیت به دنبال داشت، خودمان بازی طراحی می کردیم و توی سر و کله هم می زدیم و با کمی تلفات اوقات خوشی برای خودمان رقم می زدیم. حالا بچه ها یا در مدرسه های غیرانتفاعی کوچک حبس می شوند که زیادی تکان خوردن شان عواقب بدی دارد یا از نعمت حیاط بزرگ بهره مند ندولی تلفن همراه و تبلت بدعادت شان کرده است و دنبال سکو برای نشستن را به تحرک ترجیح می دهند.

## از رفتن به مدرسه در برف تا تعطیلی به خاطر آلودگی هوا!

نکته دیگری که تفاوت مدرسه رفتن های آن زمان و این زمان را بیشتر توی چشم می کند، روش رسیدن به مدرسه بود. زمان تحصیل ما برای رسیدن به نزدیک ترین مدرسه که به محدوده خانه مان می خورد و حاضر شده بود ما را ثبت نام کند که آن هم آن سر شهر بود، باید نصف راه را در برف و بوران و توفان پیاده می رفتیم تا سرانجام به ایستگاه اتوبوسی برسیم که نیم ساعتی یک خط از آن جا عبور می کرد! ولی بیشتر بچه های الان که مدرسه هایشان کوچه پشتی است، همان دو قدم را با سرویس می روند، تازه اگر هوا سالم باشد و برای آلودگی و سرما و بین التعطیلین و... مدارس را تعطیل نکرده باشند!

## از حیاط بزرگ تا مدارس آپارتمانی!

اگر شما هم مثل ما خانه تان در نزدیکی یک دبستان پسرانه بود، قطعا دقت می کردید قدیم ندیم ها حیاط مدرسه ها خیلی بزرگ تر از الان بود و برای پیدا کردن رفیق مان باید حداقل ۱۵ متر پیاده روی می کردیم که تازه همان وقت زنگ به صدا در می آمد و باز باید به کلاس برمی گشتیم! اما حالا چی؟ هر کسی که یک خانه آپارتمانی با چند تا اتاق اضافه دارد، به راحتی می تواند یک مدرسه تاسیس کند و اصلا هم مهم نیست که حیاط ندارد که بچه ها باید زنگ های تفریح ورجه وورجه کنند. مدارس دولتی هم تبدیل به چند مدرسه شده اند و کوچک تر از قبل!

## از ممنوعیت وسایل غیرآموزشی تا لایو از کلاس!

قبلا بردن هر گونه وسیله غیرآموزشی به مدارس ممنوع بود. حتی بردن نوشت افزار لوکس به مدارس ممنوع بود و پاک کن دورنگ و خط کش عکس سه بعدی و جامدادی آینه دار و کیف جیب دار از مصادیق بارز لوازم لاکچری بودند! نه مثل الان که بعضی مدرسه ها دانش آموزان را مجبور می کنند حتما فلان مارک نوشت افزار و فلان کتاب کمک آموزشی را بخرند و بچه ها هم یواشکی سر کلاس گوشی تلفن می برند و عکس و فیلم می گیرند و از شرایط تحصیل شان ویدئوی لایو منتشر می کنند!

## از نیمکت های ۴ نفره تا صندلی های تک نفره!



یک چیز دیگری هم که زمان ما چالش خیلی جدی به حساب می آمد، نیمکت های چوبی و فرسوده ای بودند که سه یا چهار نفری داخل شان می نشستیم و خودِ توافق بر سر نشستن سر میز یا وسط و ته میز، خودش دردسری بود. همچنین موقع امتحان یا دیکته باید با کیف و کتاب بین خودمان مرزبندی می کردیم. اما الان کلاس ها به شلوغی آن موقع ها نیست و معمولا هر دانش آموز نیمکت مخصوص خودش را دارد یا حداکثر دونفره می نشینند.

## از زدن مو با شماره ۴ تا لباس های فرم قشنگ!

آن زمان باید حتما موها را کچل می کردیم یعنی اصلا به شماره هشت و چهار هم راضی نمی شدند و باید حداقل با ماشین سلمانی شماره ۲ کوتاه می کردیم. حالتی بود که وقتی موهای مان به اندازه شماره ۴ بلند می شد یک حس دیوید بکهامی خاصی پیدا می کردیم. حالا کاش فقط همین بود، یک وقت هایی که تشخیص می دادند موهایمان از حد استاندارد بلندتر شده، یک روز ناگهان، سه راهی چهارراهی چیزی روی سرمان ایجاد می کردند تا یاد بگیریم موهایمان را کوتاه کنیم اما الان وضع متفاوت شده است و دیگر آن سخت گیری ها نیست. این روزها بچه ها با مدل های مختلف مو می توانند در مدارس ظاهر شوند. لباس فرم ها هم حقیقتا زیباتر شده اند. آن زمان لباس فرم ها معمولا از برادران و خواهران بزرگ تر به ارث می رسید و آن قدر زشت و بدترکیب بود که پوشیدن شان عذابی بود.

## از استرس کارنامه تا نمره های کیفی!

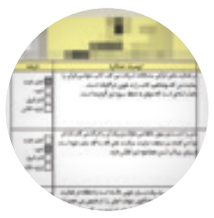

ما بچه های قدیمی بعد از ورود به مدرسه، اسم و فامیل دیگر به کارمان نمی آمد؛ مثل زندانی های خطرناک فیلم ها یا با عدد و رقم شناخته می شدیم؛ «اون که همیشه ریاضی، چهار می گیره» یا متصف به صفاتی می شدیم که در نتیجه عملکرد نمره ای مان به ما تعلق می گرفت؛ «اون خنگه»! این برچسب ها با همه رومخ بودن شان تحمل کردنی تر بودند از بلایی که کارنامه و عددهای تویش به سرمان می آوردند. کارنامه سندی محرمانه بود که حتما باید به دست ولی می دادند و ولی هم مثل بچه های مدرسه با مسخره کردن و خندیدن دست از سرمان برنمی داشت؛ بچه ها حالا دست کم در اولین مقطع تحصیلی شان مجبور نیستند با استرس نمره و کارنامه مواجه شوند و کارشان با صفت های کیفی «خیلی خوب» و «قابل قبول» سنجیده می شود.

## جدول سخت [شماره ۵۳۲]

**افقی:**
۱ – پانصد هزار – ارسال کالا به بازار – جاه و جلال – شیار، شخم ۲ – آخرین دوره زمین شناسی از دوران سنوزوئیک – اسب سیاه – نوعی آش سرکه – شادمانی و نشاط ۳ – شاعر و روزنامه نگار عصر مشروطه در دوره مظفرالدین شاه ۴ – خطی در دایره – سبکی – همنام – نوعی دوخت در خیاطی ۵ – میان – قسمتی از زمان – مضطرب و آشفته – پیشین ۶ – سنگ خارا – پسوند شباهت – ضمیر متکلم وحده – سبزوار قدیم ۷ – واحد بین المللی فرکانس – زیبا و دلپذیر – نحیف و لاغر – درخت زبان گنجشک ۸ – زیرک – لوله بلند برای کشیدن اتومبیل از کار افتاده – پیوسته تکرار شدن – عطا و کرم ۹ – بنیانگذار سینمای مدرن ایتالیا و خالق حرفه: خبرنگار ۱۰ – پشت سر – مقابل عمدی – واحد نظامی – کلیسای تاریخی پاریس ۱۱ – درختی برگ ریز و زیبا – صادق و صمیمی – مقدار کمی از نوشیدنی – سر نیزه.

**عمودی:**
۱ – مخزن مواد گازی – صحرای بی آب و علف ۲ – نقش هنری – مقابل تقدم – چین و چروک پوست ۳ – حالتی مخصوص زن باردار – اتومبیل مخصوص جهانگردی ۴ – جریان آب روان طبیعی – کشور هزار رودخانه ۵ – سلطه و چیرگی – نوعی سوسن کوهی ۶ – از اجزای چشم – زنخدان ۷ – عامل سازگاری یا ناسازگاری خونی – آبراه کوچک ۸ – گمراه کننده – نمادین ۹ – خراب کردن – آش هفت دانه ۱۰ – شیر درنده – اسباب و لوازم ۱۱ – سرزنش – سبزه زار ۱۲ – پایتخت کشور بولیوی – دیهیم ۱۳ – دسته بزرگی از میلیون ها ستاره – پودر دستگاه های زیراکس و پرینتر ۱۴ – از بین رفته – همیشه ته چاه است! ۱۵ – اسباب نواختن ویولن – طلایی ۱۶ – از جهات اربعه – پایتخت لبنان ۱۷ – نمایش نامه ای مذهبی به قلم علی موذنی – پرستار ۱۸ – درخواست کردن – نگاه کردن ۱۹ – نقاش دانمارکی قرن بیستم – پارکینسون – دو یار همقد ۲۰ – نوعی ماهی در خلیج فارس – محل نشستن.

طراح جدول: بیژن گورانی

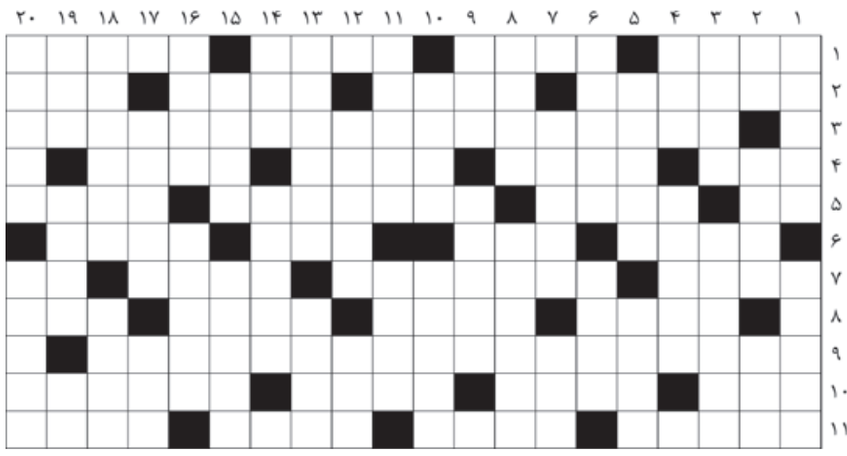

حل جدول شماره ۵۳۱

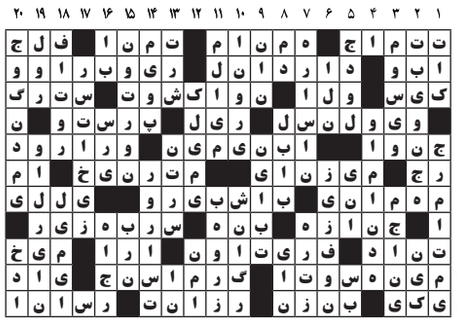

## جدول متوسط [شماره ۷۳۲۱]

**افقی:**
۱ – پروسه – نمایندگان – کسی که عمداً کار و عمل خود را آشکار سازد ۲ – درگاه – کال – هوای متحرک – تفتیش ۳ – مادر – نویسنده – کولاک – نت استمرار ۴ – دریاچه حمام – فرمانده – اسباب منزل – ذره باردار – بم ترین صدای موسیقی ۵ – عمر – باد خنک – صدای پاره شدن پارچه – خزنده گزنده – واحد سطح – دور بازی ۶ – قرائت قرآن – پارک – اسناد ۷ – سودای ناله – دست – جدا – اشاره به دور – قرار و سکون – از حروف الفبای انگلیسی ۸ – همسایه – جملگی – خورشید – ساحل – پایتخت اروپایی ۹ – آزاده – جادوگر – زهرها – ویتامین جدولی ۱۰ – خواهش ها – از اقوام آریایی – شیره چغندر – تورم رگ های پا ۱۱ – شهری در گلستان – بهارخواب – مرگ موش

**عمودی:**
۱ – چراغ دریایی – واداشتن ۲ – خاک صنعتی – پایان – من و شما ۳ – گازی فرّار، بی‌رنگ، بی‌بو و قابل اشتعال – بخشنده ۴ – اسب چاپار – حلقوم – ایده ۵ – تکرار حرف – بی تشویش – نت ششم ۶ – مقدار – فلز سرچشمه ۷ – خوابیده – اوراق مشارکت ۸ – آب خارجی – شامه نواز – از پسران نوح (ع) ۹ – غم و اندوه – از روستاهای گردشگری رامسر ۱۰ – تصدیق بیگانه – مخترع تلگراف – کلمه شگفتی ۱۱ – حرف همراهی – ساز تیره – آب عرب ۱۲ – حق اشتراک – محرومیت ۱۳ – آتش – از برونته ها – گیاهی علفی و بدبو که با آن آش هم درست می کنند ۱۴ – برقرار – کالا ۱۵ – دل آزار کهنه – مسلک ۱۶ – درون – ابله – پرگویی ۱۷ – پیاله – اهلی – نقاره بزرگ ۱۸ – کج – لقبی اشرافی در اروپا ۱۹ – آخرین نازی – جایزه سینمایی – حرف دهن کجی ۲۰ – سرپرستی – اعمال و عبادات دینی

طراح جدول: مجید شادروح

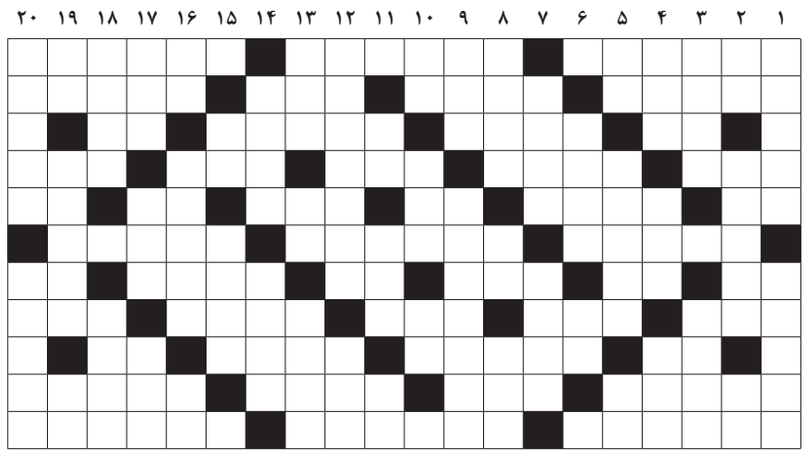
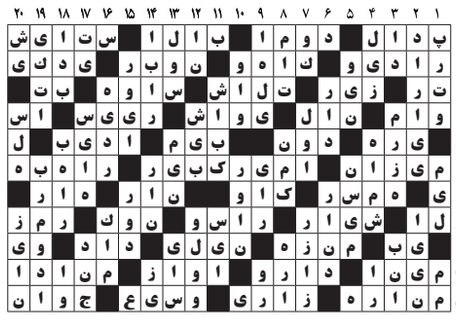
حل جدول شماره ۷۳۲۰